

بررسی تنبیه کودک از نظر فقهی

لیلا دولت خواه^۱

چکیده

تنبیه به معنای مرز، پایان، خاتمه، انتها و منتهی آمده است. در عمل تحریکی است عاطفی از راه ابراز خشونت و امری در برابر تشویق و ضد آن. تنبیه کودک در موارد منصوص و به عنوان آخرین راه حل و روش درمان و به عنوان یک روش ثانوی در رشد اخلاقی و تربیتی اوست، همچنین در حفظ کودک از مفسد اخلاقی و انحرافات رفتاری مؤثر می باشد. تنبیه اثر اصلاحی و تربیتی دارد و اگر هم در تمام موارد اثر مطلوب نداشته باشد، دست کم، عامل بازدارنده خواهد بود از دیدگاه اسلام پدر و مادر مهم ترین نقش ها را در رشد و تربیت کودک برعهده دارند. اسلام در باب تنبیه دیدگاه خاصی دارد که از هرگونه افراط و تفریط مبرا است و به شیوه ای اعتدالی، تنبیه را در برخی موارد به شکل محدود، برای اصلاح رفتارهای نامطلوب و با شروطی می پذیرد.

هدف پژوهش در این هست که بیان کند تنبیه وسیله ای حساس و خطرناک که باید سعی شود حتی المقدور به کار گرفته نشود. تنبیه کودک باید به اندازه جرم و گناه او باشد، نه بیشتر از آن. اگر کودک عقوبت رفتار اشتباه یا خلاف را نمی داند و یا پیش از تنبیه، متنبه شد نباید او را تنبیه کرد.

در این مقاله که به روش ماهیت توصیفی و تحلیل محتوی است و گردآوری اطلاعات آن کتابخانه ای است. منابع قرآنی، مانند تفسیری و منابع حدیثی از جمله اصول کافی، میزان الحکمه، و غیره در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته.

^۱ ، ۰۹۱۷۳۷۰۷۵۶۲ ، مدرسه علمیه الزهراء شهرستان گناوه snm703@gmail.com استاد، استان بوشهر ،

متأسفانه گاه گاهی دیده میشود: بعضی از پدران و مادران نسبت به فرزندان خود فقط و فقط حقوق خودشان را مینگرند و با این باورند که: فرزند یعنی خادم پدر و مادر و بس. اما آنان در قبال فرزندان شان چه مسئولیتی دارند. هیچ گونه توجه و دقتی در این راستا ندارند.

در حالی که از نظر اسلام همان گونه که والدین بر اولاد حقوقی دارند، اولاد نیز بر والدین حقوقی همچون: انتخاب مادر شایسته، نام نیکو، آموزش خواندن و نوشتن، آموزش قرآن، انتخاب همسر و از همه قابل توجه تر، تربیت صحیح و ... دارند که بر آن دو تاست رعایت دقیق آنها.

ناگفته پیداست که بحث «تربیت» از مباحثی است که شاخه ها و فروع بسیار را در بر دارد که تحقیق و بررسی در هر زاویه آن مجال زیادی را میطلبد. از آن فروع بحث «روشها و شیوههای تربیتی» است که والدین باید در «تربیت» کودک و فرزندان خود از آن روشها بهره کامل گرفته و آنها را مورد عمل و دقت قرار دهند. ما در این مقاله و تحقیق بر آنیم که «تنبیه کودک توسط والدین» را (که فی الجمله یکی از روشهای تربیتی است) از نظر حقوق اسلام مورد تحقیق و بررسی قرار بدهیم.

همچنین ضرورت در این است که بیان شود تنبیه در نظام تربیتی اسلام تصریح شده است و از آیات متعددی که رسالت حضرت رسول(ص) را منحصر به تبشیر و انذار می داند، قابل درک است و هم از آیات و روایاتی که حدود الهی و تعزیرات اسلامی را تبیین می کنند. اما اسلام برای هر جرم و خطا تنبیه و مجازات در خور آن را ارائه می کند، آن هم در صورتی که عوامل دیگر تربیتی - همانند رفق و مدارا و نرمی که با طبیعت و روحیات کودک هماهنگ است - مؤثر نیفتاد. در این صورت، مربی و ولی کودک ناگزیر از تنبیه و مجازات بدنی است که در تربیت دینی و اخلاقی کودک از نظر اسلام، به عنوان یک روش احتیاطی و استثنایی تلقی می شود.

تنبيه

در عمل تحریکی است عاطفی از راه ابراز خشونت و امری در برابر تشویق و ضد آن. بوسیله تنبیه می توان فردی را که در مسیر لغزش و انحراف است یا از راه صلاح بیرون رفته است به راه آورد و او را از کاری که آن را ناروا می خوانیم بازداشت.

چنانکه سعدی می گوید:

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار

از نظر تربیتی، تنبیه وسیله ای حساس و خطرناک که باید سعی شود حتی المقدور به کار گرفته نشود و آنگاه که مورد استفاده قرار می گیرد باید اندیشید که حدود آن چه اندازه است؟ آیا مقدار و میزان آن را درست تشخیص داده ایم؟ البته فراموش نمی کنیم که تنبیه در حقیقت روشی بازدارنده برای ایجاد سازندگی و بویژه بازسازی انسان است (سیف، دکتر علی اکبر، ۱۳۹۰، ص ۱۲۵).

حد» و «تنبیه

حد که در لغت، به معنای مرز، پایان، خاتمه، انتها و منتهی آمده است. آنچه که امروزه در لسان فقها و در کتب فقهی، مصطلح و مرسوم است این است که حد، مجازاتی است که نوع و میزان آن را شرع معین و مقدر کرده است، مانند حد زنا، شرب خمر، سرقت و نظایر آن. در واقع، «حد» به معنای عقوبت و مجازات خاص معین شده از ناحیه شارع است، مثلاً مرحوم محقق حلی در شرایع می گوید: (کل ماله عقوبه مقدره سمي حدا). (مصطفی محقق داماد ۱۳۹۲، ص ۶۴) البته خطاب های قرآن و سنت در اجرای مجازات های اسلامی نوعاً متوجه حکومت اسلامی به معنای اعم یا حکام شرع به معنای اخص است، مثلاً، خطاب (السارق والسارقة فاقطعوا ايديهما) یا (الزانية والزاني فاجلدوا كل واحد منهما مئة جلدة ولا تأخذكم بهما رأفة في دين الله) متوجه حکومت اسلامی است. در

نتیجه، این حکومت اسلامی، حاکم و ولی امر مسلمین است که باید حد سرقت یا زنا را جاری سازد. (همان، ص ۷۲).

با توجه به معنا، «حد شرعی» اصولاً برای گناهان کبیره ای معین گردیده است که در آن اولاً، حرمت ذات شرعی وجود دارد. ثانیاً، مقدار حد و یا نوع مجازات آن معین است. ثالثاً، مرتکب گناه مکلف باشد. رابعاً، هیچ کسی، حتی حاکم شرع، نمی تواند آن را کم یا زیاد نماید، در حالی که تنبیه مصطلح هیچ کدام از شروط مزبور را ندارد؛ یعنی: تنبیه درباره خطاهایی به کار می رود که نه تنها حد ندارد، بلکه حتی گاهی حرمت شرعی نیز ندارند، بلکه کارهایی بوده که از لحاظ اخلاقی، سزاوار نبوده از مرتبی مسلمان صادر شود.

«تعزیر» و «تنبیه»

تعزیر به معنای جلوگیری و بازداشتن است، لذا تأدیبی که به صورت کمتر از حد باشد، تعزیر نامیده می شود، چرا که باعث بازداشتن مجرم از تکرار جرم می شود. تعزیر، تأدیبی است که از باب رحمت است و منظور از آن، پاک شدن گناهکار از آلودگی به گناه و بازداشتن وی از آلوده شدن مجدد به گناه است (ابن اثیر، النهایه فی غریب الحدیث، ج ۳، ص ۲۲۸).

اگر چه تعزیر به معنی تادیب و تنبیه بدنی می باشد و به تمام مجازاتی اطلاق می شود اسلامی است، در حالی که «تنبیه» ممکن است برای فعل حرام و یا غیر حرام - مثلاً اعمالی که عادتاً به حد حرمت شرعی نمی رسد - انجام گیرد و مقدار ضرب آن هم قطعاً از تعزیر کم تر است. همچنین تنبیه و تادیب مرتبی ممکن است به وسیله ولی او و یا معلم و مربی او که اذن تنبیه دارد، انجام گیرد. که در اسلام، حد ثابتی ندارد و یا اگر حد ثابتی دارد، مرتکب آن غیر مکلف است، با معنای «تنبیه» اصطلاحی تفاوت دارد؛ چون اولاً، تعزیر در برابر فعل حرام است. ثانیاً، مقدار ضرب تازیانه آن کم تر از حد و منوط به نظر امام یا حاکم می باشد.

تنبيه يا تشويق؟

از نظر روان شناسان، تنبيه و تشويق دو روش تربيتي است كه براي رعايت مقررات و حفظ انضباط، بايد در آموزشگاه ها و محيطهاي تربيتي به كار گرفته شود. تشويق يا پاداش در مواردی به كار می رود كه رفتاری دلخواه و مطلوب از متری سر بزند و بخواهیم آن رفتار تقویت و تکرار شود و به صورت عادت درآید. اما تنبيه در مواردی به كار می رود كه رفتار متری ناپسند و بر خلاف موازين دينی و مقررات است و می خواهيم آن را تضعیف يا خاموش كنيم. اين دو روش بايد به طرز صحيح و بجا به كار روند تا موجب آرامش خاطر و تعادل گردند.

بايد از تنبيه های شديد در برابر خطاهای کوچک يا از تنبيه های گروهی برای اشتباهات فردی، به ویژه تنبيه های بدنی، كنایه آمیز و توهين دار خودداري كرد؛ چون اين تنبيهات غالبا در ضمير و روان متری كينه و روحیه انتقام جویی ایجاد می كند.

در واقع، تنبيه دو نقش در انضباط ایفا می كند: یکی اين كه موجب تضعیف و عدم تکرار رفتار ناپسند می شود و دیگر اين كه کودک را متوجه می كند كه رفتارش مورد قبول محیط اجتماع نیست و در واقع او را با انتظارات اجتماعی آشنا می كند.

برای اين كه اين روش تربيتي مؤثر واقع شود، بايد متناسب با خطا باشد و بلافاصله اعمال گردد. همچنین دليل آن نیز برای کودک و متری روشن باشد. از جمله عوامل تاثیرگذار در اين روش، ثبات و وحدت روش اولیا و مربیان است.

از مجموع مباحث و نظرات روان شناسان در باب آموزش و يادگیری کودکان چنین استفاده می شود كه آنان غالبا بر تقویت مثبت و دادن پاداش در مقابل اعمال و رفتارهای مطلوب تکیه کرده اند و تنبيه را به عنوان آخرین روش در تغییر رفتار، آن هم به شکل ساده مورد توجه قرار داده اند كه اين به نظر اسلام نیز نزدیک است؛ زیرا در روایات اسلامی روش اولیه برای برخورد با رفتار نامناسب، مدارا و نرمی است؛ در صورتی كه نرمی سودمند

قال المحقق (ره) فی الشرایع: «یکره ان یزاد فی تادیب الصبی علی عشرة اسواط و کذا المملوک (محمد بن بابویه، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۱۶۷).

صاحب جواهر الکلام نیز آورده است:

«انه یکره ان یزاد فی تادیب الصبی علی عشرة اسواط و کذا المملوک لدلالة معتبره حماد بن عثمان و معتبره السکونی و خبر زرارة بن اعین و مرسله الصدوق.» مجموع این روایات برای جواهر الکلام، تادیب بیش از ده ضربه را به اثبات نمی رساند، آن هم در صورتی که تادیب به مصلحت کودک باشد و از روی غضب و انتقام جویی انجام نگیرد.

حضرت امام خمینی (ره) در تحریر الوسیله می فرمایند: «انه یکره ان یزاد فی تادیب الصبی علی عشرة اسواط و الظاهر ان تادیبه بحسب نظر المؤدب و الولی، فرما تقتضی المصلحة اقل و ربما تقتضی الاکثر و لا يجوز التجاوز... بل و لا التجاوز عن تعزیر البالغ بل الا حوط دون تعزیره و احوط منه الاكتفاء بستة او خمس (روح الله خمینی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۴۷۷).

حضرت آیه الله خوئی (ره) در تکملة المنهاج مساله ۲۸۵ آورده اند: «لا باس بضرب الصبی تادیبا خمسة او ستة مع رفق (ابوالقاسمخویی، ج ۱، ص ۲۴۰).

در مساله ۲۸۱۹ رساله عملیه نیز فرموده است: «ولی طفل و معلم طفل با اذن ولی به قدری که او ادب شود، می تواند کودک را بزند

حضرت آیه الله گلپایگانی (ره) در مجمع المسائل در پاسخ سؤال تادیب شاگرد به وسیله معلم، می فرماید: «جواز کتک زدن شاگرد جهت تادیب شرعی با اجازه ولی شرعی اگر موجب دیه نشود به طور آرام بعید نیست و اگر جای ضرب به سرخی یا کبودی و یا سیاهی تغییر رنگ دهد، جایز نیست و معلم ضامن دیه اوست (محمد رضا گلپایگانی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۲۶۷).

سایر بزرگان و فقهای شیعه نیز در طول تاریخ برای حفظ و مراقبت کودکان از مفاسد و انحرافات اخلاقی و رفتاری و در جهت اصلاح و تربیت آنان، استفاده از روش تادیب و تنبیه را جایز شمرده اند که به دلیل پرهیز از اطاله کلام از ذکر فتاوی آنان خودداری می شود.

جمع بندی احادیث و نظر فقها

اجماع فقها و اتفاق نظر آنان این است که حاکم شرع، ولی کودک و جد پدری او، مجاز به تنبیه کودک هستند. اما این که آیا معلم و مؤدب نیز چنین اجازه ای دارد یا نه، در میان اندیشمندان مسلمان اختلاف نظر است. برخی به طور مطلق، گفته اند که معلم و مؤدب هم چنین اجازه ای دارند و برخی آن را مشروط به اذن ولی و یا حاکم شرع کرده اند.

از روایات مذکور باب تنبیه استفاده می شود که آن بخش از روایات که مربوط به باب حد و تعزیر است، اختیار چنین کاری را فقط به عهده حاکم شرع قرار داده و اوست که مجاز به اقامه حد و یا اجرای تعزیر در برابر ارتکاب کودکان به محرمات شرعی است.

از تعدادی روایات هم استفاده می شود که فقط پدر و ولی کودک و جد پدری اجازه تنبیه کودک را دارند. و از روایاتی که مربوط به نماز می باشند نیز استفاده می شود که فقط پدر و جد پدری مجاز به تنبیه و تادیب کودک نه یا ده ساله، آن هم به دلیل ترک نماز هستند. همچنین از برخی روایات استفاده می شود، که سرپرست یتیم نیز مجاز به تنبیه کودک می باشد؛ زیرا مسؤولیت تربیت او را به عهده دارد.

بنابراین، به طور کل، می توان از روایات استنباط کرد که اولاً، فقط حاکم شرع مجاز به اجرای حد و تعزیر است و در مورد کودکان، فقط تعزیر انجام می گیرد و اختلافی در این نیست.

ثانیاً، پدر و جد پدری مجاز به تادیب و تنبیه کودک هستند و همه این را قبول دارند.

اما این که آیا معلم نیز مجاز به استفاده می شود که به معلم و مؤدب کودک نیز اجازه داده شده است که برای تربیت، اصلاح و هدایت او از تنبیه استفاده نماید، اما مشروط بر این که بیش از سه ضربه نزند، آن هم به طوری که منجر به سرخی یا سیاهی بدن - که موجب دیه است - نشود. تادیب و تنبیه است یا نه، از روایات وارد شده در این باب همانند معتبره سکونی از امام صادق (ع) و مرسله صدوق.

نتیجه گیری

از آن جا که کودکان امانت های پروردگار متعالی هستند که در اختیار والدین گذاشته شده اند، بر پدران و مادران لازم است که کودک پاک خود را با کردار ناپسند عادت ندهند و در پرورش جسمی، اخلاقی و روحی و معنوی آن ها تلاش جدی داشته باشند. کودک با رفتارهای پسندیده و تربیت صحیح اولیا و مربیان می تواند انسانی با فضیلت شود در غیر این صورت فردی نامطمئن و فاسد بار می آید. سعادت و شقاوت هر کس به کیفیت پرورش و تربیت او در کودکی بستگی دارد. با محبت و حسن رفتار، می توان افرادی مهربان، خیراندیش، درستکار، شجاع، شریف و فعال به جامعه و آینده بشریت تحویل داد.

دین اسلام سفارش اکید می کند که بزرگ ترها در برابر خردسالان و کوچک ترها بیش تر احساس مسئولیت کنند و حقوق آن ها را رعایت نمایند. اسلام به جامعه به صورت «کل» می نگرد و به موجودیت انسان ها اهمیت خاصی می دهد، خودسازی آحاد امت اسلامی را لازم می داند و رفق و شفقت با دیگران را جزو وظایف مسلمانان می شمارد.

بنابراین، از مجموع مباحث این مقاله می توان نتیجه گرفت که روش تنبیه و تادیب کودکان روش تربیتی اولی نیست تا در تمام حالات و موقعیت ها بتوان از آن استفاده کرد و نتیجه مطلوب از آن گرفت، بلکه تنبیه یک روش تربیتی ثانوی است که از لحاظ مرتبه و ارزش، متاخر از همه روش های ممکن در اصلاح رفتار است؛ یعنی: اگر تمام روش های مناسب مثل گذشت، اکرام، رفق، محبت و تشویق را در موقعیت های گوناگون برای تغییر و

اصلاح رفتار کودک به کار گرفتیم، ولی نتیجه مطلوب از آن به دست نیامد در آن صورت، می توان از روش تنبیه در موارد منصوص و خاص استفاده کرد.

این حقیقت را می توان، هم از آثار و افکار روان شناسان و مربیان تعلیم و تربیت استفاده کرد و هم از روایات اسلامی به دست آورد. نکته مهم تر این که از مجموع مباحث گذشته، می توان استنباط کرد که تنبیه به عنوان آخرین راه درمان و اصلاح رفتار تلقی شده و هدف از تنبیه در واقع، اصلاح رفتار و تربیت کودک است. بنابراین، به کارگیری و استفاده از این روش، باید به گونه ای باشد که اصلاح کننده و مؤثر در تربیت کودک باشد و یا دست کم، عامل بازدارنده باشد. اگر چنین نتیجه ای از آن حاصل نمی شود، نباید مورد استفاده قرار گیرد.

منابع

۱. ابن اثیر، ۱۳۶۷، النهایه فی غریب الحدیث، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۲. ابوالقاسم خویی، تکمله المنهاج، قم، موسسه احیاء آثار الامام الخویی.
۳. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۴، روانشناسی رشد بانگرس به منابع اسلامی، ششم، تهران، سمت.
۴. حسین نوری طبرسی، ۱۳۶۹، مستدرک الوسائل، محمدی ری شهری. بیروت، موسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث.
۵. خدیجه معین، ۱۳۹۰، روانشناسی تربیت کودک و نوجوان از منظر قرآن و روایت و علم، اصفهان، پیام صادق.
۶. روح الله خمینی، ۱۳۸۶، تحریر الوسیله، محمدباقر موسوی همدانی، قم، دارالعلم.
۷. علی اکبر سیف، ۱۳۹۰، روانشناسی پرورشی، تهران، دوران.
۸. علی اکبر سیف، ۱۳۹۲، تغییر رفتار و رفتار درمانی، هیجدهم، تهران، دوران.
۹. علاء الدین متقی هندی، ۱۳۷۴، کنز العمال، قم، دارالحدیث.

۱۰. محمد باقر مجلسی، ۱۴۰۳، بحار الانوار، بیروت، موسسه الوفاء.
۱۱. محمد بن حسن حر عاملی، ۱۳۸۷، وسائل الشیعه، قم، موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان.
۱۲. محمد جواد عاملی، ۱۳۸۷، مفتاح الکرامه، محمد باقر خالص، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۳. محمد بن یعقوب کلینی، ۱۳۹۱، کافی، محمد رضا انصاری محلاتی، قم، هجرت.
۱۴. مصطفی محقق داماد، ۱۳۹۲، قواعد فقه ۴، بیست و ششم، تهران، علوم اسلامی.
۱۵. نورالدین هیثمی، ۱۹۶۷، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دوم، بیروت.
۱۶. نصیرالدین طوسی، آداب المتعلمین، اسماعیل ارسن، عبدالرسول چمن خواه، دوم، روزنهان، تهران.